جایگاه محمد بن صفار و کتاب بصائر الدرجات در میراث حدیثی شیعه ـ جعفر رحیمی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دوازدهم، شماره ۴۵ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۳، ص ۸۱ ـ ۱۱۴

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

جایگاه محمد بن حسن صفار و کتاب بصائرالدرجات در میراث حدیثی شیعه

جعفر رحیمی *

چکیده: محمد بن حسن صفّار و کتاب *بصائر الدرجات* او جایگاهی مهم در منظومهٔ اعتقادی شیعه امامیه به خصوص در مسأله امامت دارد. در این مقاله سعی شده است شخصیت علمی صفّار و نقش او در انتقال معارف اعتقادی بررسی شود. همچنین دو مسألهٔ اساسی که راجع به صفّار و کتاب بصائر الدرجات او وجود دارد مورد پژوهش قرار گرفته است. مسأله اول: آیا نویسندهٔ کتاب بصائر الدرجات، شخصی به نام محمد بن حسن بن فروخ است و شخصیت دیگری غیر از صفّار است یا اینکه محمدبن الحسن بن فروخ همان محمد بن الحسن صفّار است و یک شخصیت با دو عنوان در کتب رجالی معرفی شده است؟ مسألهٔ دوم: آیا کتاب بصائر الدرجات تألیف صفّار است، یا چنانچه ادعا شده نوشتهٔ محمد بن یحیی العطار بوده و او به شیوهٔ استخراج، کتاب بصائر سعد بن عبدالله اشعری را با عنوان بصائر الدرجات به نام خودش تدوین نموده است. برای این منظور اساتید و شاگردان مطرح صفّار به اختصار معرفی شده‌اند. همچنین میراث مکتوب و میزان اثرگذاری او در انتقال روایات اهل بیت علیهم‌السلام و نقش او در انتقال میراث مکتوب بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: صفار، محمد بن حسن، ابن فروخ، بصائرالدرجات، میراث مکتوب

---

*. دانشجوی دکتری ادیان و مذاهب قم، پژوهشگر پژوهشگاه قرآن-حدیث قم sadrarahimi@yahoo.com

ولادت، کنیه و نام صفّار

محمد بن حسن صفّار قمی، محدث، فقیه و متکلمِ پرآوازهٔ شیعه و مؤلفِ کتابِ مشهورِ «*بصائرالدرجارت فی علوم آل محمد*» است. نام کامل او «**محمد بن الحسن بن فروخ الصفّار**» (*رجال نجاشی*، ج ۱، ص ۳۵۴؛ *رجال شیخ طوسی*، ص ۴۰۲). است و هرگاه «الصفّار» به‌صورت «منفرد» استعمال شود، منصرف به او است (*توضیح المقال فی علم الرجال*، صص ۹۸ـ ۹۹).

نام او در همهٔ تذکره‌نویسی‌های امامیّه آمده است، ولی اطلاعات اصلی را عمدتاً «نجاشی و شیخ طوسی» آورده‌اند. در منابع، به غیر از «ابوجعفر»، کنیهٔ دیگری برای او ذکر نکرده‌اند (*رجال نجاشی*، ج ۱، ص۳۵۴؛ *رجال شیخ طوسی*، ص۴۰۲؛ *رجال ابن داود*، صص ۱۶۹ ـ۱۷۰؛ *نقد الرجال*، ج۴، صص۱۸۱ ـ۱۸۲؛ *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج۷، ص۳۱؛ *أهل البیت في الکتاب والسنة*، ص ۶۱۹؛ *بصائر الدرجات*، صص ۷ ـ ۱۴؛ *الخلاصة للحلی*، صص۲۶۰ ـ ۲۶۱؛ ، *طرائف المقال*، ج۱، ص۲۱۷).

زمانِ ولادتِ او برای ما مشخص نیست، امّا بدون شک، او معاصرِ امام دهم علی بن محمد الهادی علیه‌السلام (متوفیِ۲۵۴هـق) و امام یازدهم حسن بن علیِ العسکری علیه‌السلام (متوفی۲۶۰هـق) بوده و بنابر قولِ شیخ طوسی، صفّار از صحابهٔ امام یازدهم علیه‌السلام به شمار می‌رفته و «مسائل» خود را به ایشان عرضه کرده است.

از آنجا که برای بعضی از فضلاء این توهم پیش آمده است که محمد بن الحسنِ الصفّار صاحب کتاب *بصائر الدرجات*، غیر از محمد بن الحسن بن فروخ بوده، لازم است در ابتدا این مسأله بررسی شود. به نظر می‌رسد منشاء این اشتباه را می‌توان در کتاب *رجالِ ابن داود حلی* (متوفی۷۴۰هـق) جستجو کرد؛ زیرا او برای محمد بن حسن در دو جایِ کتابش با دو عنوانِ «**محمد بن الحسن الصفّار و محمد بن الحسن بن فروخ**» شرح حال نوشته است (*رجال ابن داود*، ص۱۶۹و۱۷۰). او که یکی از مشهورترین تذکره‌نویسان امامیّه به شمار می‌رود، در وصفِ محمد بن الحسن بن فروخ می‌نویسد:

«**کان وجها فی اصحابنا القمیین، ثقة، عظیم القدر راجحا، قلیل السقط فی الروایة**» (همان،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

ص۱۷۰)، همو در وصفِ محمد بن حسن صفّار، آورده است: «له کتب مثل کتب الحسین بن سعید و زیادة» (همان، ص۱۶۹).

امیر معزی معتقد است منشاءِ این دوگانگی شخصیّت، در کلامِ ابن‌داود حلی است و آن را نوعی تفکر عقلانی فقهی می‌داند که پس از شیخ مفید بر تفکر شیعه حاکم شده است. این تفکر در برابر تفکر باطنی قرار دارد که از جانب ائمه شیعه و محدثان قمی خصوصاً کلینی و صفّار و برقی ترویج می‌شده و علمای شیعه پس از شیخ مفید، آگاهانه کتاب بصائرالدرجات صفّار را مسکوت گذاشته‌اند و این نگرش به آنجا کشیده که بین راوی بزرگ شیعی یعنی محمدبن الحسن الصفّار و مؤلفِ *بصائر الدرجات* تفاوت قائل شوند (*فصلنامه ژورنال آسیایی (JOURNALASIATIQUE)» صفّار قمی و کتاب بصائر الدرجات*، جلد۲۸۰، شماره۳ـ۴). امّا به نظر می‌رسد چنین برداشتی از کلام ابن‌داود و محقق اردبیلی جای تأمل دارد و اینکه آیا آنان به عمد دو شخصیت را مطرح کرده‌اند یا اینکه جهت دیگری مطرح بوده، به راحتی نمی‌توان قضاوت کرد؛ زیرا بدون شک ابن‌داود، از کتابهایی مانند: «*رجال*» نجاشی (متوفی۴۵۰هـق)، «*رجال*» و «*الفهرست*» شیخ طوسی (متوفی۴۶۰هـق) بهره برده است. اگر مقایسه‌ای بین نقل ابن‌داود حلی با نقل نجاشی و شیخ طوسی انجام دهیم، می‌بینیم که ترجمه ابن‌داود با ترجمه‌های شیخ طوسی و نجاشی تفاوتی ندارد و متوجه می‌شویم که ابن‌داود نیز در مورد این شخصیت، دچار اشتباه دوگانگی شخصیت نشده و محمدبن الحسن بن فروخ را همان مؤلفِ کتابِ بصائر الدرجات می‌داند.

نجاشی گفته است:

«محمد بن الحسن بن فروُّخ الصفّار، مولى عيسى بن موسى بن طلحة بن عبيد الله بن السائب بن مالك بن عامر الأشعري أبو جعفر الأعرج، كان وجها في أصحابنا القميين، ثقة عظيم القدر راجحا قليل السقط فى الرواية، له كتب منها: كتاب بصائر الدرجات»، (*جال نجاشی*، ج۱، ص۳۵۴).

و شیخ طوسی گوید:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

«محمد بن الحسن الصفّار قمي، له كتب مثل كتب الحسين بن سعيد و زيادة كتاب بصائر الدرجات و غيره»، (*فهرست طوسی*، ص ۴۰۸).

به نظر می‌رسد ابن‌داود از ترجمهٔ شیخ طوسی و نجاشی تبعیت کرده است و دقیقاً همان اوصاف را که این دو رجالی بزرگ برای صفّار نوشته‌اند، او نیز برای این راوی آورده است. علاوه بر آن، ظهور کلام او در اتحاد عنوان است (*طرائف المقال*، ج۱، ص۲۱۷).

تنها نکته غامض در نقل ابن‌داود، این است که او برای صفّار، دو شرح حال نوشته است. برای حل این مشکل باید گفت که اگر به کتب رجالی مراجعه کنیم، خواهیم دید که عادت بسیاری از رجالییون بر این بوده که برای اشخاصی که به دو اسم یا چند اسم مشهور بوده‌اند، دو یا چند شرح حال جداگانه می‌نوشته‌اند. شیخ طوسی در رجالش شخص واحد را دو یا چند بار آورده، به دلیل تعدد عنوان اشخاص. ابن‌داود نیز همین رویه را داشته‌است؛ بنابراین از کلام ابن‌داود حلی بر نمی‌آید که او بین مؤلف *بصائر الدرجات* و محدث بزرگ شیعه جناب محمد بن حسن بن فروخ تمایزی قائل بوده است.

علاوه بر آن بسیاری از رجالیون برای دو عنوان مذکور، شخصیت واحد قائلند و تا جایی که بررسی شد، از رجال‌شناسان کسی قائل به دوگانه بودنِ مؤلفِ بصائر الدرجات با ابن فروخ نیست (*رجال نجاشی*، ج۱، ص۳۵۴؛ *اختیار معرفةالرجال*، ج۲، ص۷۱۶؛ *نقدالرجال*، ج۴، ص۱۷۶؛ *أهل البیت فی الکتاب والسنة*،ص۶۱۹؛ *الرسائل الرجالیة*، ج۳، صص۴۹۰ـ۴۹۴؛ *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج۷، ص۳۹؛ *قاموس الرجال*، ج۹، ص۲۱۳؛ *وسائل الشیعة (الإسلامیة)*، ج۲۰، ص۳۲۳؛ *الرسائل الرجالیة*، ج۳، صص۴۹۰ـ۴۹۴؛ *طرائف المقال*، ج۱، ص۲۱۳ و۲۱۴؛ *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج۷، ص۳۱؛ *معجم رجال الحدیث*، ج۱۵، ص۲۴۹؛ *هدیة العارفین*، ج۲، صص۲۳ـ۲۴).

القاب

برای محمد بن الحسن، القابی آورده‌اند مانند:

«**الصفّار**» (*رجال شیخ طوسی*، ص۴۰۲؛ اردبیلی، محمدعلی، پیشین؛ *طرائف المقال*، ج۱، ص۲۱۳؛ *وسائل الشیعة*

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

(الإسلامیة)، ج ۲۰، ص۳۲۳)،

«الأشعری» (*طرائف المقال*، ج ۱، ص۲۱۷)،

«الأعرج» (*رجال شیخ طوسی*، ص۴۰۲؛ اردبیلی، محمدعلی، پیشین؛ *طرائف المقال*، ج ۱، ص۲۱۳؛ *وسائل الشیعة (الإسلامیة)*، ج ۲۰، ص۳۲۳)،

«ممولة» (*رجال شیخ طوسی*، ص۴۰۲؛ اردبیلی، محمد علی، پیشین؛ *رجال کشی*، ج ۱، ص۴۱۷؛ *طرائف المقال*، ج ۱، ص۲۱۳؛ *الرسائل الرجالیة*، ج ۳، ص۱۵؛ *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج ۷، ص ۳۱). و **«قمی»** (*اختیار معرفةالرجال*، ج ۲، ص۷۱۶؛ *نقدالرجال*، ج ۴، صص ۱۸۱ـ۱۸۲؛ *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج ۷، ص ۳۱؛ *قاموس الرجال*، ج ۹، صص ۲۰۲ـ۲۰۳؛ *الذریعة*، ج ۷، ص۲۵۶). ذکر شده است.

لقب مشهور او **«الصفّار»** به معنای **«رویگر»**، و پس از آن**«الاعرج»** به معنای **«لنگ»** است. ظاهراً لقب صفّار به این دلیل است که او پیشه رویگری داشته است. این‌که آیا لقب «الاعرج» ناشی از نقص عضو بوده یا برای تحقیر او را به این نام خوانده‌اند دقیقاً معلوم نیست، اما این‌گونه لقب‌گذاری که امروزه مذموم است و تنقیص به حساب می‌آید، در بین مردم آن دوره مرسوم بوده و رواج داشته است.

لقبِ **«قمی»** به دلیل سکونت وی در قم و لقبِ **«اشعری»** حکایت از انتساب او به خاندان اشعری دارد. صفّار به لقب «ممولة» نیز معروف بوده است و جناب کشی از ایشان با عنوان **«المعروف بممولة»** (*رجال کشی*، ج ۱، ص۴۱۷) نام برده است. با این حال سید خویی فرموده که «سؤالهایی که صفّار از حضرت عسکری علیه‌السلام پرسیده ملقب به حموله بوده است» (*معجم رجال الحدیث*، ج۱۵، ص۲۴۹). شیخ طوسی نیز عبارتی نظیر عبارت سید خوئی دارد. احتمال دیگر در مورد لقب ممولة، این است که این لفظ، مخفف محمد علی باشد که در زبان فارسی برخی محمد علی را مملی تلفظ می‌کنند. احتمالاً منشاءِ اشتباهِ برخی که گفته‌اند سؤالهای او به ممولة معروف بوده همین مسأله باشد، زیرا عرب‌ها قادر به تلفظ مملی نبودند. بنابراین گمان می‌کردند که منظور از آن، «مُملی» به معنی مفعولی

یعنی املاء شده است.

نژاد و قبیله

نجاشی در کتابِ رجالش و شیخ طوسی در فهرستش، محمد بن حسن را فرزند فروخ (به فتح فاء و تشدید راء)، از موالی عیسی بن موسی بن طلحة بن عبیدالله بن السائب بن مالک بن عامر اشعری می‌دانند. راجع به عیسی بن موسی اطلاعاتی در دست نیست، اما از نوادگان سائب بن مالک اشعری است. در تاریخ قم آمده که زمانی که پدر محمد بن سائب همراه مختار در کوفه شهید شد، مصعب بن زبیر او را از حبس خلاص کرد. محمد بن سائب از شجاعان و مردان روزگار خود بود. حجاج او را برای مأموریتی فرستاد و او پس از مدتی از انجام مأموریت سرپیچی کرد؛ لذا حجاج دستور داد تا او را بکشند. به روایتی دیگر، حجاج همهٔ فرزندان مالک بن عامر اشعری را امر کرد که از کوفه بیرون روند. بنابراین همگی آنان از کوفه بیرون رفتند و فرزندان سائب در منطقه‌ای به‌نام «ماهین» ساکن شدند.

پس از آنکه فرزندان سعد بن مالک به قم رفته آنجا ساکن شدند؛ فرزندان سائب را به شهر قم دعوت کردند و ایشان نیز به شهر قم آمدند و در آنجا عزت یافتند (*تاریخ قم*، ص ۲۵۸ـ۲۶۱). به هر روی، صفّار از موالی اشعری‌ها بوده است. چنانچه ذکر شد او را مولای عیسی بن محمد گفته‌اند. منظور از موالی، افراد غیر عربی هستند که خودشان یا اجدادشان با یکی از قبیله‌های عربی و یا با شخص خاصی از عرب‌ها عقد ولاء داشته‌اند و به نوعی زیردست و بنده آن اعراب محسوب می‌شدند؛ به اصطلاح امروزی شهروندان درجه دوم بودند. نوعاً ایرانیان مسلمان چنین وضعیتی را در بین اعراب داشتند و بیشتر موالی از ایرانیان تازه مسلمان بودند.

شکی نیست که جناب صفّار، از موالی بوده، اما ایرانی بودن او معلوم نیست. با این حال چون او در قم زندگی می‌کرده و متوفی در قم نیز هست، احتمال ایرانی بودنش

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

می‌رود. قرینهٔ دیگری که ایرانی بودن وی را تقویت می‌کند، فتوای مشهور جناب صفّار راجع به جواز قرائت ذکر قنوت به زبان فارسی است. احتمالی که راجع به لقب ممولہ گفته شد، قرینهٔ دیگری بر ایرانی بودن صفّار است.

مدح و ستایش

در برخی موارد، مدح و ذم مستقیم از جانب ائمه‌علیهم‌السلام راجع به اصحابشان وجود دارد. این‌گونه روایات در جرح و تعدیل راوی بسیار مفیدند؛ اما در بسیاری از موارد هم روایاتی که بتوان از آنها برای جرح و تعدیل استفاده کرد، وجود ندارد. در این صورت باید از راه‌های دیگری به جرح و تعدیل راوی پرداخت. یکی از مهمترین روش‌ها، سخنان رجالیون و علما است؛ خصوصاً آن دسته از اشخاصی که با راوی هم‌عصر بوده‌اند و به طور مستقیم با راوی تماس داشته‌اند.

شخصیت صفّار در روایات

صفّار چندین نامه به محضر امام حسن عسکری‌علیه‌السلام نوشته و در آن نامه‌ها سؤالاتی (معمولاً فقهی) از محضر امام پرسیده است. این نامه‌ها و جواب‌هایی که از طرف امام‌علیه‌السلام به آنها داده شده، در منابع حدیثی شیعه موجوداند. در این توقیعات، امام‌علیه‌السلام راجع به ستایش یا نکوهش ابو جعفر مطلبی ذکر ننموده است. روایت یا روایاتی هم مبنی بر نکوهش یا ستایش صفّار وجود ندارد، اما همین مقدار که جناب صفّار نامه‌هایی به حضرت عسکری‌علیه‌السلام نوشته و ایشان نیز نامه‌های وی را جواب می‌داده، حاکی از شخصیت علمی ایشان و چه بسا از وثاقت او در نزد امام است.

کلام علما

در کتب فهرست و رجالی آمده که او در بیشتر ابواب فقه کتاب حدیثی نوشته بوده و در تألیفاتش، از شیوه‌ای که حسین بن سعید در نگارش ابواب فقهی داشته، تبعیت کرده است. علاوه بر آثار حدیثی ـ فقهی، او در بسیاری از مسائل اعتقادی – از جمله مباحث

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

امامت – نوشته‌هایی داشته است. البته آثار او عمدتاً صبغه حدیثی داشته و احتمالاً جز نقل احادیث، چیزی دیگر در کتاب‌هایش یافت نمی‌شده است.

تعابیر نجاشی حاکی از میزان اهمّیت وی در نزد محدثان و رجالیان امامی است. نجاشی او را به "كان وجها في أصحابنا القميين" می‌ستاید و ضمن توثیق وی، او را «عظیم القدر» و «راجح» و «قلیل السقط» در روایت می‌خواند (*رجال نجاشی*، ج۱، ص۳۵۴). البته لفظ قلیل السقط، ضمن این‌که بار معنایی مثبت دارد به نوعی هم نشانگر ذم راوی است و احتمالاً به این علت است که صفّار برخی از احادیث را به صورت مرفوعه نقل کرده و واسطه‌ها را در سند نیآورده است.

هم‌چنین بزرگانی مانند: علامه حلی در *خلاصة الاقوال* (ج۱، ص۱۵۷)، ابن داود حلی در رجالش (ج۱، ص۳۰۷)، سید خویی در *معجم رجال الحدیث* (ج۱۵، ص۲۵۷)، ضمن نقل سخن نجاشی، وثاقت محمد بن الحسن الصفّار را تأیید کرده‌اند.

ذم و نکوهش

همان‌گونه که ذکر شد؛ در روایات امام حسن عسکری علیه‌السلام، ستایش یا نکوهشی نسبت به شخصیت محمد بن حسن صفّار نیامده است. تنها مسأله‌ای که برخی آن را به عنوان نکوهش این راوی مطرح کرده‌اند، این است که محمد بن حسن بن ولید کتاب بصائر الدرجات او را نقل نکرده است.

ابن ولید از شخصیت‌های برجسته در بین راویان حدیث است. شیخ طوسی در فهرستش راجع به او گفته است: «القمي جليل القدر عارف بالرجال موثوق به» (*فهرست طوسی*، ص۴۴۳).

و به گفتهٔ نجاشی و شیخ طوسی، راوی اصلی صفّار، یعنی محمد بن حسن بن ولید (وفات۳۴۳هق، ۹۵۳م) محدثی محترم و معتبر، فقیه و مفسر قرآن بود. او همهٔ آثار صفّار را به جز «کتاب بصائر الدرجات» روایت کرده است (*فهرست طوسی*، ص۱۴۳؛ *رجال نجاشی*،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

ص۲۶۲).[۱] همان‌گونه که مشهور است، ابن ولید با تفکر غالیانه مبارزه می‌کرده است. اگر مضامین روایات کتاب بصائر الدرجات را که در مورد امامت و شئون آن است به این مطالب بیفزاییم؛ در نظر بدوی نتیجه این خواهد شد که ابن ولید، به دلیل این‌که صفّار تفکر غالیانه داشته، کتاب او را روایت نکرده است.

نجاشی پس از نقل عناوین کتاب‌های صفّار، یکی از طرقی را که به این کتاب‌ها داشته چنین می‌نویسد:

«أخبرنا بكتبه كلها ما خلا بصائر الدرجات، أبو الحسين علي بن أحمد بن محمد بن طاهر الأشعري القمي قال: حدثنا محمد بن الحسن بن الوليد عنه بها» (رجال نجاشی،ج۱، ص۳۵۴).

بنابراین عدم نقل ابن‌ولید، موجب گمانه‌زنی‌هایی راجع به کتاب بصائر الدرجات و نویسندهٔ آن محمد بن حسن شده است. امیر معزی در این باره می‌گوید: «پیدا است که صفّار قمی و به ویژه «کتاب *بصائر الدرجات*» او محل اشکال و تردید بوده و هست» (*صفّار قمی و کتاب بصائر الدرجات*، جلد۲۸۰، شماره ۳).

کلامی که مامقانی از علامه مجلسی در این زمینه نقل می‌کند بسیار گویا است: اگر ابن ولید، بصائر الدرجات را روایت نکرده است؛ به این دلیل است که فکر می‌کرد محتوای این کتاب نزدیک به شیعیان اهل غلّو است. «عدم رواية ابن الوليد لبصائر الدرجات لتوهمه أن هو يقرب الغلّو» (*تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج۳، ص۱۰۳).

به تبع همین نظریه، برخی از پژوهشگران سؤالاتی مطرح نموده‌اند که حائز اهمیت است؛ از جمله این‌که با وجود اهمیّت کتاب بصائر الدرجات و اهمیّت احادیث آن در مباحث امام‌شناسی شیعی، چرا روایات صفّار مورد اعتنای گستردهٔ شماری از منابع همانند: الکافی قرار نگرفته است؟ آیا کلینی با وجود آن‌که کتاب الحجة خود را به همین دست احادیث اختصاص داده است، نیازی به نقل احادیث بصائر نداشته است؟ اصولاً

۱. در باره‌ی ابو جعفر محمد بن حسن بن ولید، رجوع کنید به: رجال نجاشی، ص۲٦۲؛ ابن ندیم، *فهرست*، نشر تجدد، تهران، ۱۹۷۱ میلادی، ص ۲۷۹.

رابطه کتاب بصائر الدرجات کنونی با کتاب الحجة کلینی چیست؟ آیا او کتاب بصائر الدرجات کنونی را می‌شناخته است؟ آیا آن را تألیفی از صفّار می‌انگاشته است؟

انصاری معتقد است: محمد بن حسن کتابی به نام بصائر الدرجات نداشته و کتاب بصائرالدرجات کنونی که به نام صفّار منتشر شده، بر اساس کتاب بصائر الدرجات سعد بن عبدالله تنظیم شده و اضافاتی نیز بر آن افزوده شده است (حسن انصاری، مقاله شخصیت و جایگاه علمی محمد بن الحسن الصفار در مورد بصائر)

موقعیت و جایگاه علمی

از نامه‌نگاری صفّار با امام حسن عسکری علیه‌السلام چنین برداشت می‌شود که او از شخصیت‌های مطرح زمان خویش بوده و به لحاظ علمی نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است. تقریباً تمامی پرسش‌های او از محضر امام حسن عسکری علیه‌السلام راجع به مسائل فقهی است. امیر معزی می‌نویسد:

«صفّار قمی یکی از استادان شیخ کلینی در زمینهٔ حدیث بود: از شیخ کلینی تا ابن ابی زینب نعمانی، ابن‌بابویه، شیخ طوسی و سرانجام علامه مجلسی، مؤلفان بزرگ به کرّات از صفّار قمی نقل قول کرده‌اند. این امر بیانگر اهمیت صفّار قمی در تدوین و تألیف اصول مکتب امامیّه است.» (*صفّار قمی و کتاب بصائر الدرجات*، جلد ۲۸۰، شماره ۴).

سایر رسالات او احتمالاً حاوی احادیث اعتقادی امامیّه بوده‌اند: «کتاب *الرد علی الغلاه*» (رد آراء غیر امامیّه)، «کتاب *الملاحم*» (پیشگویی‌های آخرالزمانی)، «کتاب *التقیه*»، «کتاب *المؤمن*»، «کتاب *المناقب*» (ستایش معصومین و اهل تشیع)، «کتاب *المثالب*» (نکوهش دشمنان امامیّه)، «کتاب *ما رُوی فی اولاد الائمه*» (روایت احوال فرزندان ائمه) و سرانجام «کتاب *بصائر الدرجات*».

در مجموع می‌توان ادعا نمود جناب محمد بن حسن در مباحث اصول اعتقادی خصوصاً مباحث امامت و در فروع دین و احتمالاً در تمامی مباحث و ابواب فقهی احادیثی را جمع‌آوری کرده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

اساتید صفّار

تعداد مشایخ و راویانی که صفّار از آنها روایت نقل کرده است، به بیش از ۱۵۰ نفر می‌رسند[۱]. در نظر بدوی، انسان تصور می‌کند که تعداد کثیری از راویان حدیث در گرد آمدن کتاب اصلی صفّار یعنی *بصائرالدرجات* نقش داشته باشند، اما با دقت و توجّه به آمار روایات خواهیم دید که صفّار اکثر احادیث را از تعداد کمتری از راویان، که بیشتر قمی و به خصوص اشعری هستند، روایت کرده است. نیومن در این باره می‌نویسد:

«ملاحظه فهرست راویانی که صفّار، ۱۸۸۱ حدیث بصائر را از طریق آنها، جمع‌آوری کرده است، نشان می‌دهد که وی ۱۲۱۵ حدیث یعنی ۶۴/۵ درصد از کل را از کمتر از ۱۲ منبع روایت کرده است. او ۵۰۱ حدیث (۲۷ درصد از کل) را از احمد بن محمد، ۲۱۷ حدیث (۱۱/۵) درصد را از محمد بن حسین کوفی، ۱۱۰ حدیث (۵/۸ درصد) را از محمد بن عیسی بن عبید، ۱۰۵ حدیث (۵/۵ درصد) را از ابراهیم بن هاشم قمی، ۹۵ حدیث (۵ درصد) را از یعقوب بن یزید بغدادی، ۵۸ حدیث (۳ درصد) را از محمد بن عبدالجبار قمی، ۲۸ حدیث (۱/۵درصد) را از عبدالله بن جعفر حمیری قمی، ۲۷ حدیث (۱/۴ درصد) را از عباس بن معروف و ۲۱ حدیث (یک درصد) را از حسین بن محمد بن عمران اشعری روایت کرده است» (*دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی گفتمان حدیثی میان قم و بغداد*، چ اول، ص۲۲۰).

دیدیم که صفّار ۵۰۱ حدیث را از احمد بن محمد نقل کرده است. با این حال در جستجویی که در کتاب *بصائرالدرجات* انجام شد، ۴۷۵ حدیث از راویی با عنوان احمد بن محمد بدون لقب و کنیه نقل شده است. احادیثی که در آنها احمد بن محمد با لقب و کنیه آورده است، عبارتند از: ۳۴ حدیث را از احمد بن محمد بن ابی‌نصر و ۱۲

---

۱. اسامی اساتید صفار در کتاب *بصائرالدرجات* به تحقیق محسن کوچه باغی آورده شده است. برای اطلاع از اسامی آنان به مقدمه کتاب مذکور مراجعه نمایید.

حدیث را از احمد بن محمد عیسی، چهار حدیث را از احمد بن محمد السیاری، یک حدیث را از احمد بن محمد بن خالد برقی و یک حدیث را از احمد بن محمد بن مسلم نقل کرده است.

در این میان، ۴۷۵ حدیث می‌بینیم که صفّار آنها را از احمد بن محمد نقل کرده است و معلوم نیست منظور از این راوی، کدام یک از این روات است. در این برههٔ زمانی لااقل دو راوی بزرگ و مشهور به نام احمد بن محمد وجود دارد؛ یکی احمد بن محمد بن خالد برقی گردآورندهٔ کتابِ *محاسن* و دیگری احمد بن محمد عیسی اشعری. جالب آنکه دو شخصیت مذکور درگیری‌هایی با هم داشته‌اند. به هر روی در بسیاری از موارد، روشن نیست که منظور از احمد بن محمد کدام یک از دو راوی است.

تا جایی که از بررسی اسناد به دست می‌آید، صفّار از استادش احمد بن محمد بن عیسی اشعری روایات فراوانی نقل کرده است؛ بنابراین به احتمال قوی منظور از احمدبن محمد در تعدادِ معتنابهی از ۴۷۵ حدیث مذکور، همان احمدبن محمدبن عیسی باشد. در ادامه شرح حال مختصری از برخی از اساتید وی ذکر می‌کنیم.

۱. ابوجعفر، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، از اصحاب امام رضا، امام هادی و حضرت عسکری علیهم‌السلام، امامی، ثقه، از بزرگان تشیع و رئیس قمیین بوده است (*فهرست طوسی، ص ۶۰؛ رجال طوسی، ص ۳۵۱؛ رجال علامه حلی، ص ۱۳*). وی دیدارهایی با حضرت رضا، حضرت جواد و امام حسن عسکری علیهم‌السلام داشته است.

از اجداد او سعد بن مالک احوص، اولین کسی بود که در قم سکنی گزید. گفتیم که بین صفّار و این خاندان عقد ولاء جاری بوده و صفّار از موالیِ اشعری‌ها شمرده شده است؛ بنابراین رابطهٔ نزدیکی بین او و صفّار وجود داشته است. علاوه بر احادیثی که در کتابِ *بصائرالدرجات* از احمد بن عیسی نقل شده است، در کتب اربعه نیز صدها حدیث وجود دارد که صفّار از احمد بن عیسی بدون واسطه نقل کرده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

صفّار علاوه بر اینکه احادیث فراوانی را از وی نقل کرده، ناقل کتاب‌های وی و میراث مکتوب او نیز هست. شیخ طوسی در طریقش به کتاب‌های احمد بن محمد عیسی می‌نویسد: «أخبرنا عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الولید عن أبیه عن محمد بن الحسن الصفّار و سعد جمیعا عن أحمد بن محمد بن عیسی» (*فهرست طوسی، ص ۶۰*).

۲. ابوجعفر، محمد بن حسین بن ابی‌خطاب (متوفی ۲۶۲هـق)، کوفی، همدانی، ملقب به زیات، او را با اوصاف امامی، ثقه (همان، ص۴۰۰). و جلیل ستوده‌اند. او از راویان بزرگ شیعه و مؤلفِ کتاب‌هایی مانند: «کتاب *التوحید*»، «کتاب *المعرفه و البداء*»، «کتاب *الرد علی اهل القدر*»، «کتاب *الامامة*»، «کتاب *اللؤلؤة*»، «کتاب *وصایا الائمه*علیهم‌السلام» و «کتاب *النوادر*» بوده و از اصحاب حضرت هادیعلیه‌السلام بوده است. (*رجال طوسی*، ص۳۹۱). او احادیث فراوانی را از ائمه طاهرینعلیهم‌السلام نقل کرده است.

محمد بن حسین از اساتید اصلی صفّار بوده و در منابع اصلی حدیث شیعه لااقل ۳۷ روایت وجود دارد که صفّار از ایشان نقل کرده است. در کتاب *بصائر* نیز بالغ بر ۲۱۳ روایت وجود دارد که صفّار مستقیماً از ایشان نقل کرده است.

صفّار میراث‌دار مؤلفاتِ او نیز بوده است. نجاشی در طریقش به کتب محمد بن حسین می‌نویسد: «أخبرنا علي بن أحمد عن محمد بن الحسن عن الصفّار قال: حدثنا محمد بن الحسین بسائر کتبه» (*رجال نجاشی، ص ۳۳۴*).

و شیخ طوسی در طریقش به کتاب‌های محمد بن حسین آورده است: «أخبرنا ابن أبي جید عن ابن الولید عن الصفّار عن محمد بن الحسین» (*فهرست طوسی، ص۶۰*).

۳. ابوجعفر، محمد بن عیسی بن عبید، ملقب به یقطینی، عبیدی و بغدادی، متصف به امامی، ثقه و «حسن التصانیف» است. او علاوه بر روایات فراوان، مکاتباتی نیز با امام جوادعلیه‌السلام داشته است (*رجال نجاشی*، ص۳۳۳). از بین تألیفات فراوان او می‌توان به کتابی در امامت و کتابی در رد واقفیه اشاره نمود. ابن‌ولید و تابعینش او را تضعیف کرده‌اند (*رجال*

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

نجاشی، ص۴۰۲؛ *رجال طوسی*، صص ۳۹۱ و ۴۰۱ و ۴۴۸؛ رجال کشی، صص ۵۰۷ و ۵۳۷ و ۵۳۸؛ *برقی*، ص ۵۸؛ رجال ابن داود،صص ۵۰۸و ۵۲۸و ۵۴۱؛ *رجال علامه حلی*، ص ۱۴۱). تعداد روایاتی که صفّار از محمد بن عیسی در کتاب *بصائر الدرجات* نقل کرده، به بیش از ۱۵۰ حدیث می‌رسد. اما آثار مکتوب محمد بن عیسی را صفّار نقل نکرده است؛ به عبارت دیگر، در طریق شیخ طوسی و نجاشی به کتاب‌های محمد بن عیسی نامی از صفّار نیست.

۴. ابواسحاق، ابراهیم بن هاشم قمی، وی از اصحاب امام رضا علیه‌السلام، امامی، ثقه و راوی جلیل القدر است (*فهرست طوسی*، ص۱۱؛ *رجال طوسی*، ص۳۵۳؛ *رجال ابن داود*، ص۲۰). از اهالی کوفه بوده که به قم رفته است. نخستین کسی است که احادیث کوفه را در قم نشر داده است (*رجال علامه حلی*، ص۴). صفّار بالغ بر ۱۰۳ حدیث را که در منابع اصلی شیعی آمده، از ابراهیم بن هاشم نقل کرده است. در کتاب *بصائرالدرجات* نیز ۱۰۹ روایت از ابراهیم بن هاشم نقل شده است. ابراهیم بن هاشم تألیفاتی نیز داشته که، صفّار در طریق آثار مکتوب او قرار نگرفته است.

۵. ابویوسف، یعقوب بن یزید انباری، ملقب به انباری، قمی (*رجال ابن داود*، ص۳۷۹)، کاتب و سلمی، متصف به امامی و ثقه، و از راویان جلیل‌القدر است (*رجال نجاشی*، ص۴۵۰؛ *فهرست طوسی*، ص۵۰۸؛ *رجال طوسی*، صص۳۶۹ و ۳۹۳؛ *رجال کشی*، ص۶۱۲؛ *رجال برقی*، صص ۵۲ و۶۰؛ *رجال ابن داود*، ص۳۷۹؛ *رجال علامه حلی*، ص۱۸۶). ایشان مؤلف کتاب‌هایی مانند: «کتاب *البداء*»، «کتاب *المسائل*»، «کتاب *نوادر الحج*» و «کتاب *الطعن علی یونس*» است. ظاهراً متولدِ شهر انبار بوده و بعدها به بغداد کوچ کرده است (*رجال نجاشی*، ص۴۵۰). شیخ طوسی می‌نویسد: «**له کتب منها کتاب النوادر. أخبرنا ابن أبي جيد عن محمد بن الحسن عن سعد (بن عبدالله) و الحميري عن يعقوب بن يزيد**» (*فهرست طوسی*، ص ۵۰۸).

بنابراین صفّار از جمله کسانی است که میراث دار آثار مکتوب یعقوب بن یزید بوده است.

۶. ابوجعفر، احمد بن محمد بن خالد برقی، اصالتاً اهلِ کوفه است، امّا به قم مهاجرت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

کرده و در همان‌جا از دنیا رفت (وفات ۲۷۴ یا ۲۸۰هـق) متصف به امامی و از راویان ثقه، صحابه مشهور امامان نهم، دهم و یازدهم علیهم‌السلام، مؤلف بیش از ۷۰ کتاب از جمله «*رجال*» و «*محاسن*» که این دو انتشار یافته‌اند. (*رجال نجاشی*، ص۷۶؛ *فهرست طوسی*، ص۵۱؛ *رجال طوسی*، صص۳۷۳ و ۳۸۳؛ *رجال ابن الغضائری*، ص۳۹؛ *رجال برقی*، ص ۵۷ و ۵۹؛ *رجال ابن داود*، صص۴۰ و ۴۲۱؛ *رجال علامه حلی*، ص۱۴)

از دیگر مشایخ صفّار می‌توان یاد کرد:

محمد ابن ابی الصهبان که همان محمد بن عبد الجبار قمی است، از راویان ثقه و از اصحاب امام هادی علیه‌السلام (*رجال طوسی*، صص ۴۰۱ و ۴۴۸؛ *رجال کشی*، ص ۵۶۵؛ رجال برقی، ص ۵۹ و ۴؛ *رجال ابن داود*، ص ۲۸۷؛ رجال *علامه* حلی، صص ۱۴۲ و ۲۷۰)،

ابوعباس، عبدالله بن جعفر الحمیری قمی (وفات پس از ۲۹۳ هـق، ۹۰۵ م)، صحابهٔ امامان دهم و یازدهم علیهما‌السلام، متصف به شیخ القمیین و وجههم (*رجال نجاشی*، ص ۲۱۹؛ *فهرست طوسی*، ص ۲۹۴؛ *رجال طوسی*، صص ۳۸۹ و ۴۰۰؛ *رجال کشی*، ص ۶۰۵؛ *رجال ابن داود*، صص ۲۰۰ و ۴۰۱؛ *رجال علامه حلی*، ص ۱۰۶)،

ابوعلی، احمد بن اسحق بن عبدالله قمی اشعری، امامی، ثقه، از صحابهٔ امامان نهم، دهم و یازدهم علیهم‌السلام (*رجال نجاشی*، ص۹۱؛ فهرست طوسی، ص۶۳؛ *رجال طوسی*، صص۳۷۳ و ۳۹۷؛ *رجال کشی*، ص۵۵۷؛ *رجال برقی*، صص۵۶ و ۵۹؛ *رجال ابن داود*، ص ۲۴؛ *رجال علامه حلی*، ص۱۵)،

ابوالحسین، ایّوب بن نوح نخعی، کوفی، صحابهٔ امامان نهم، دهم و یازدهم علیهم‌السلام و وکیل امامان دهم و یازدهم علیهما‌السلام (*فهرست طوسی*، ص ۴۳؛ *رجال طوسی*، ص ۳۵۲ و ۳۸۳؛ *رجال کشی*، صص ۵۰۸، ۵۱۴، ۵۵۷ و ۵۷۲؛ *رجال برقی*، صص ۲۹، ۵۴ و ۵۷؛ *رجال ابن داود*، ص ۶۴؛ *رجال علامه حلی*، صص۱۲ و ۲۷۱)،

حسن بن علی بن نعمان کوفی، او را با وصف «ثقهٔ ثبت» (*رجال نجاشی*، ص۴۰؛ *رجال علامه حلی*، ص۴۱) ستوده‌اند (*رجال‌الطوسی*، ص ۳۹۸)[۱]،

---

۱. برخی او را ثقه دانسته اند و برخی هم گفته‌اند که کلام نجاشی که گفته او ثقه است مربوط به پدرش علی بن نعمان است و در حقیقت نجاشی پدر او را ثقه دانسته است (برای اطلاع بیشتر بنگرید: رسائل الرجالیه، ج ۱ ص ۱۴۸؛ رجال نجاشی ص ۴۰).

حسن بن موسی خشّاب، متصف به «امامی»، «ثقه»، «من وجوه أصحابنا»، «کثیر العلم و الحدیث» (*رجال نجاشی*، ص ۴۲؛ *رجال ابن داود*، ص ۱۱۹؛ *رجال علامه حلی*، ص ۴۲)؛

ابوعبدالله حسین بن محمد بن عامر اشعری قمی (نام دیگر او حسین بن محمد بن عمران بن ابی‌بکر اشعری (تفرشی، پیشین، ج ۲ ص ۱۱۴)، از راویان ثقه (*مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج ۳ ص ۱۹۱)،

ابواسحاق، ابراهیم بن اسحق احمری نهاوندی (وفات ۲۶۸هـق، ۸۹۹ م)، صحابهٔ امام دهم علیه‌السلام،

ابوجعفر، محمد بن یحیی عطار قمی، امامی مذهب و ثقه (*رجال نجاشی*، ص۳۵۳؛ *رجال علامه حلی*، ص۱۵۷)،

ابوسعید، سهل بن زیاد آدم (اَدمی) رازی، صحابهٔ امامان نهم، دهم و یازدهم علیهم‌السلام، **ابویوسف، یعقوب بن اسحق سکیت**، امامی و از راویان ثقه، صحابهٔ امام نهم علیه‌السلام (*رجال النجاشی*، ص۴۵۰)،

ابوالحسین، احمد بن الحسن بن علی بن فضال ملقب به فیاض، فطحی مذهب (همان، ص۸۱)، ثقه در نقل حدیث (*فهرست طوسی*، ص ۵۸)، متوفی به سال ۲۶۰ هـق (*رجال علامه حلی*، ص ۲۰۳)،

ابوبشر، السندی بن محمد البزاز (ابان بن محمد)، ملقب به بجلی، متصف به «امامی»، «ثقه» و «کان وجها فی اصحابنا الکوفیین» از اصحاب حضرت هادی علیه‌السلام (*رجال نجاشی*، ص۱۴؛ *فهرست طوسی*، ص۲۲۸؛ *رجال ابن داود*، ص۱۷۹؛ *رجال علامه حلی*، ص۸۲)،

أبوالفضل، عباس بن معروف قمی (*رجال طوسی*، ص۳۶۱)، از اصحاب امام جواد علیه‌السلام، از موالی اشعری‌ها، متصف به «ثقه» و «امامی» (*رجال علامه حلی*، ص۱۱۸)،

عباد بن سلیمان، «امامی» و «ثقه» (*رجال نجاشی*، ص۲۸۱)، از اساتید صفّار (*رجال طوسی*، ص ۴۳۳)، **ابوالحسن، علی بن حسان الهاشمی**، متصف به «ضعیف‌جدا» (رجال نجاشی، ص۲۵۱)،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

«غال ضعیف» (*رجال ابن غضائری*، ص۷۷) و «فاسدالإعتقاد» (*رجال علامه حلی*، ص۲۳۳)،

عبدالله بن محمد الجعفی؛ او امامی مذهب بوده، از اصحاب امام جعفر صادق علیه‌السلام، **ابوعبدالله، محمد بن خالد الطیالسی تمیمی**، متوفی به سال ۲۵۹ ه از اصحاب امام موسی کاظم علیه‌السلام (*رجال نجاشی*، ص۳۴۰؛ *فهرست طوسی*، ص۴۲۱؛ *رجال طوسی*، ص۳۴۳)،

سندی بن ربیع بغدادی، امامی مذهب و از اصحاب حضرت موسی بن جعفر و امام رضا علیهماالسلام (*رجال نجاشی*، ص ۱۸۷؛ *رجال طوسی*، ص ۳۵۸).

یکی از راویانی که از اساتید صفّار شمرده شده، **ابوعبدالله، احمد بن محمد بن سیّار**، معروف به کاتب، سیّاری، اصفهانی، قمی و بصری از صحابه امام یازدهم علیه‌السلام و احتمالاً امام دهم علیه‌السلام است. او متهم بود که از اهل «غلّو» است و این ظن بر او می‌رفت که احادیث غلّوآمیز را به امامان نسبت داده است (تخلیط). شیخ طوسی او را «ضعیف الحدیث» (*فهرست طوسی*، ص۵۷) شمرده و گفته که ایمان وی به فساد گراییده است (فاسد المذهب، منحرف) (همان). با این وجود، او یکی از شخصیت‌هایی است که صفّار قمی از او نقل حدیث کرده است. رابطهٔ او و صفّار می‌توانست عاملی برای تضعیف صفّار باشد؛ زیرا او را اهل غلو دانسته‌اند و در حدیث نیز تضعیفش کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد صفّار احادیث بسیار اندکی را از او نقل کرده است. در گذشته نیز ذکر شد که در کتاب بصائر الدرجات تنها چهار حدیث از سیاری نقل شده که از آن‌ها یک حدیث را بدون واسطه از سیاری نقل کرده است و سه حدیث دیگر با واسطه راویان دیگری از سیاری نقل شده است.

تا این‌جا سعی کردیم اساتید و مشایخ صفّار را که دارای اهمیّت بیشتری بودند معرفی کنیم؛ برای رعایت اختصار از ذکر مشخصات سایر اساتید صفّار خودداری می‌کنیم.

امیر معزی در مقاله‌اش نکته‌ای نقل می‌کند که قابل تأمل است. او می‌گوید:

«برخی از آنها (اساتید صفّار) صحابهٔ امامان ششم، هفتم، هشتم یا نهم علیهم‌السلام بودند

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

(سندی‌بن ربیع، محمدبن خالد طیالیسی، هیثم‌بن ابی‌المسروق نهدی، و غیره) که به دلیل عدم تطابق تاریخی، صفّار قمی نمی‌توانسته سخن آنها را شخصاً شنیده باشد» (*صفّار قمی و کتاب بصائر الدرجات*، جلد ۲۸۰، شماره ۴، ص۱۲).

گفته شد که صفّار در سال ۲۹۰هـق وفات یافته است؛ چنانچه وفات محمدبن خالد به سال ۲۵۹هـق باشد، او ۳۱ سال پیش از صفّار از دنیا رفته است؛ بنابراین نقل صفّار از وی بعید به نظر نمی‌رسد. سندی بن ربیع با اینکه تاریخ وفاتش مشخص نیست، اما او از یاران امام رضاعلیه‌السلام شمرده شده بنابراین احتمال این‌که او هم تا زمان جوانی صفّار زنده باشد وجود دارد، یعنی به ضرس قاطع نمی‌توان مدعی بود که صفّار نمی‌توانسته مستقیماً از او روایت نقل کند، اما در مورد هیثم نهدی حق با ایشان است. این در حالی است که در کتاب بصائر الدرجات صفّار، تنها یک حدیث از سندی‌بن ربیع نقل شده است (*بصائر الدرجات*، ص ۳۵۴).

شاگردان صفّار

تلاش مجدانه صفّار در جمع‌آوری احادیث اهل بیت‌علیهم‌السلام و وثاقت او سبب شده است که آثار روایی اش در جای جای منابع حدیثی یافت شود. البته اکثر کتاب‌های او که در زمینه فقهی ـ حدیثی نگاشته شده بود ـ و ما فهرستی از آن آثار را در همین مقاله آورده‌ایم ـ در گذر حوادث زمان مفقود شده و به دست ما نرسیده است؛ همان بلایی که بر سر بسیاری از منابع حدیثی آمده و امروزه دست بشریت از این میراث گرانبها تهی مانده است؛ با این حال همین مقدار اثری که از صفّار باقی مانده است قابل اعتنا بوده و ستارگان عالم علم و حدیث از انوار این احادیث بهره‌های فراوان برده‌اند. بزرگانی مانند شیخ کلینی صاحب الکافی، علی‌بن حسین بن بابویه (پدر شیخ صدوق)، محمدبن یحیی العطار، سعدبن عبدالله اشعری، محمد بن جعفر مؤدب، محمد بن حسن بن ولید. برای آشنایی بیشتر با شاگردان صفّار و کسانی که از وی حدیث نقل کرده‌اند

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

به معرفی اجمالی آنان می‌پردازیم:

۱. ابوجعفر، محمدبن حسن‌بن ولید قمی[۱] متوفی ۳۴۳هـق، امامی، ثقه، از محدثین جلیل القدر شیعی و از بزرگان شهر قم بوده است (*رجال نجاشی*، ص۳۸۳؛ *فهرست طوسی*، ص۴۴۲). او از شاگردان اصلی صفّار بوده و احتمالاً بیشترین روایت را از او نقل کرده است و هموست که از تألیفات صفّار، کتاب بصائر الدرجات را نقل نکرده است.

۲. ابوجعفر، محمدبن یحیی العطار؛ از بزرگان تشیع در زمان خودش بوده؛ از راویانی است که به کثرت روایت مشهور بوده و وثاقت او مورد اجماع رجالیون قرار گرفته است (*رجال نجاشی*، ص۳۵۳؛ *رجال طوسی*، ص۴۳۹؛ *رجال ابن داود*، ص۳۴۰). کمتر از ۳۰ روایت را از صفّار نقل کرده است و در مقابل حدود ۱۳۰۰ روایت را از محمدبن الحسین‌بن ابی الخطاب نقل کرده است. ظاهراً دسترسی او به محمدبن الحسین و دیگر مشایخ صفّار سبب شده که تعداد روایت او از صفّار کمتر باشد.

از بررسی شاگردان صفّار به دست می‌آید که وی از محدثین بلند پایه شیعی محسوب می‌شود و آثار مکتوب فراوانی داشته که مورد استفادهٔ علما قرار گرفته، با این حال در نشر شفاهی و تدریس حدیث نقش چندانی نداشته است.

تألیفات صفّار

مقایسهٔ کتاب‌های فقهی او با سایر کتاب‌هایش به روشنی مؤید این نکته است که او در مقام نخست یک محدث اهل فقه بوده و بیشتر به این جنبه از احادیث امامان اعتنا داشته است. با وجود اینکه دورهٔ حیات او و درگذشتش در دوران مهمّی از غیبت صغرای امام مهدی علیه‌السلام (یعنی سال ۲۹۰ هجری) قرار گرفته؛ امّا روایات او آن اندازه که توقع می‌رود در کتاب‌های حدیثی فراگیر نیست.

تألیفات صفّار

۱. برخی هم معتقدند که او اصالتاً اهل قم نبوده بلکه بعداً به شهر قم رفته است (ر.ک: *رجال ابن داود*، ص ۳۰٤).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

الف- نجاشی برای محمدبن الحسن الصفّار تعداد ۳۵ کتاب را ذکر کرده است (*رجال نجاشی*، ج ۱، ص۳۵۴). دست‌یابی او به کتاب‌های محمدبن الحسن بن فروخ از دو طریق بوده است:

۱- أخبرنا بكتبه كلها ما خلا بصائر الدرجات أبو الحسين علي بن أحمد بن محمد بن طاهر الأشعري القمي قال: حدثنا محمد بن الحسن بن الوليد عنه بها.

۲- و أخبرنا أبو عبد الله بن شاذان قال: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى عن أبيه عنه بجميع كتبه و ببصائر الدرجات.

ب- شیخ طوسی در فهرستش می‌نویسد: تألیفات محمد بن الحسن بن فروخ، مانند کتب فقهی حسین بن سعید است و سپس علاوه بر ۳۰ کتاب مذکور، کتاب بصائر الدرجات و سؤالات محمد بن الحسن از امام یازدهم علیه‌السلام را نیز بیان می‌دارد.

شیخ طوسی در طریق دستیابی‌اش به کتاب‌های ابوجعفر، سه طریق ذکر کرده است.

۱- أخبرنا بجميع كتبه و رواياته ابن أبي جيد عن محمد بن الحسن بن الوليدعن محمد بن الحسن الصفّار.

۲- و أخبرنا جماعة عن محمد بن علي بن الحسين عن محمد بن الحسن عن محمد بن الحسن الصفّار عن رجاله إلا كتاب بصائر الدرجات فإنه لم يروه عنه (محمد بن الحسن) بن الوليد.

۳- و أخبرنا الحسين بن عبيد الله عن أحمد بن محمد بن يحيى عن أبيه عن محمد بن الحسن الصفّار.

مقایسه بین نقل رجال نجاشی و فهرست طوسی

شیخ طوسی در فهرستش در شمارگان کتاب او گفته که محمد بن الحسن ۳۰ کتاب مانند کتاب‌های حسین بن سعید دارد بدون این‌که عناوین این کتاب‌ها را ذکر کند. شیخ در جای دیگر فهرستش کتاب‌های حسین بن سعید را نام برده و گفته که او ۳۰ کتاب دارد و سپس عنوان ۳۱ کتاب را ذکر کرده است (*فهرست طوسی*، ص۱۵۰)! نجاشی هم این ۳۰

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

کتاب را برای حسین بن سعید ذکر کرده است (*فهرست طوسی*، ص۱۵۰) با این تفاوت که او کتابی را که شیخ طوسی تحت عنوان کتاب «البشارات» آورده، ذکر نکرده است. علاوه براین ۳۰ کتاب، کتاب دیگری به نام «بصائرالدرجات» و کتابی مشتمل بر سؤالات بوده که به محضر مبارک امام حسن عسکری علیه‌السلام نوشته شده است؛ بنابراین مجموع عناوینی که شیخ طوسی از تألیفات محمدبن حسن صفّار شمرده، ۳۳ عنوان خواهد بود. همچنین شیخ اذعان دارد که علاوه بر این کتاب‌ها، عناوین دیگری نیز بوده است (*فهرست طوسی*، ص ۴۰۸).

از مقایسه این دو نقل، متوجه می‌شویم که نجاشی شش کتاب با عناوین کتاب «*الجنائز*»، کتاب «المواریث»، کتاب «*ما روی فی اولاد الائمه* علیهم‌السلام»، کتاب «*ما روی فی شعبان*»، کتاب «*الجهاد*» و کتاب «*فضل القرآن*» را ذکر کرده که شیخ طوسی آنها را ذکر نکرده است. شیخ طوسی هم (با توجه به این که معتقد است محمدبن الحسن کتاب‌هایی مانند کتاب‌های حسین بن سعید دارد) دو کتاب با عناوین کتاب «*الوصایا*»، کتاب «*التفسیر*»، و کتابی تحت عنوان «سؤال‌ها از محضر امام حسن عسکری علیه‌السلام» را در فهرست کتاب‌های محمد بن حسن صفّار آورده (البته بنا را بر این می‌گذاریم که شیخ طوسی در مورد کتاب البشارات اشتباه کرده و حسین بن سعید چنین کتابی نداشته باشد)، اما نجاشی متذکر سه کتاب مذکور نشده است. بنابراین مجموع کتاب‌هایی که در این دو فهرست به صفّار نسبت داده شده به ۳۸ عنوان می‌رسد. که در جدول زیر بطور تطبیقی آمده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

عناوین کتاب‌های محمد بن الحسن بن فروخ:

	کتاب	نج	طو
۱	*الصلاة*	+	+
۲	*الوضوء*	+	+
۳	*الجنائز*	+	–
۴	*الصیام*	+	+
۵	*الحج*	+	+
۶	*النکاح*	+	+
۷	*الطلاق*	+	+
۸	*العتق والتدبیر و المکاتبه*	+	+
۹	*التجارات*	+	+
۱۰	*المکاسب*	+	+
۱۱	*الصید و الذبائح*	+	+
۱۲	*الحدود*	+	+
۱۳	*الدیات*	+	+
۱۴	*الفرائض*	+	+

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

۱۵	الدعاء	+	+
۱۶	المواريث	+	–
۱۷	المزار	+	+
۱۸	الرد على الغلاة	+	+
۱۹	الاشربه	+	+
۲۰	المروءة	+	+
۲۱	الزهد	+	+
۲۲	الخمس	+	+
۲۳	الزكاة	+	+
۲۴	الشهادات	+	+
۲۵	الملاحم	+	+
۲۶	المومن	+	+
۲۷	التقيه	+	+
۲۸	الايمان و النذور و الكفارات	+	+
۲۹	المناقب	+	+
۳۰	المثالب	+	+
۳۱	بصائر الدرجات	+	+

۳۲	*الوصایا*	–	+
۳۳	*التفسیر*	–	+
۳۴	*ما روی فی اولاد الائمه* علیهم‌السلام	+	–
۳۵	*ما روی فی شعبان*	+	–
۳۶	*الجهاد*	+	–
۳۷	*فضل القرآن*	+	–
۳۸	*مسائل کتب بها الی ابی محمد* علیه‌السلام	–	+

گزارشی از آثار

متأسفانه از تألیفات فراوان صفّار تنها کتاب بصائر الدرجات به دست ما رسیده است؛ البته نامه‌هایی که او به محضر امام یازدهم علیه‌السلام نوشته بود نیز در کتاب‌های حدیثی موجود است. برخی از این نامه‌ها به دست شیخ صدوق رسیده بوده و او تصریح می‌کند که جواب نامه‌ها را که به خط حضرت عسکری علیه‌السلام نوشته شده بود رؤیت کرده است. برای نمونه یکی از توقیعات حضرت را در ذیل می‌آوریم:

«كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصفّار إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه‌السلام كَمْ حَدُّ الْمَاءِ الَّذِي يُغْسَلُ بِهِ الْمَيِّتُ كَمَا رَوَوْا أَنَّ الْجُنُبَ يَغْتَسِلُ بِستَّةِ أَرْطَالٍ مِنْ مَاءٍ وَ الْحَائِضَ بِتِسْعَةِ أَرْطَالٍ فَهَلْ لِلْمَيِّتِ حَدٌّ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي يُغْسَلُ بِهِ؟ فَوَقَّعَ علیه‌السلام حَدُّ غُسْلِ الْمَيِّتِ يُغْسَلُ حَتَّى يَطْهُرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. وَ هَذَا التَّوْقِيعُ فِي جُمْلَةِ تَوْقِيعَاتِهِ عِنْدِي بِخَطِّهِ علیه‌السلام فِي صَحِيفَةٍ» (*من لا یحضره الفقیه*، ج ۱، ص ۱۴۲).

از جمله اخیر شیخ صدوق پیداست که توقیعات حضرت عسکری علیه‌السلام به دست او

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

رسیده است.

کتاب فضل الدعاء صفّار

روایتی در «کتاب عدة الداعی» ابن فهد حلی (م ۸۴۱ هـق) وجود دارد که ایشان از «کتاب الدعاء» صفّار نقل کرده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد کتاب الدعاء صفّار تا زمان ابن فهد موجود بوده است. همچنین علی‌بن موسی‌بن طاوس (م۶۶۴هـق) در «*رسالة محاسبة النفس*» خود (ص ۱۵) و ابراهیم بن علی عاملی (م ۹۰۵ هـق) در «*کتاب المصباح*» خود از این کتاب نقل کرده‌اند؛ بنابراین کتاب فضل الدعاء صفّار لااقل تا قرن دهم موجود بوده است.

نشر احادیث صفّار

متأسفانه بسیاری از آثار حدیثی شیعه در اثر گذر زمان از بین رفته است. نگارش جوامع حدیثی، یکی از عوامل مهمی است که سبب از بین رفتن برخی آثار شده است. با وجود جوامع حدیثی مانند *الکافی*، *من لایحضره الفقیه*، *تهذیب* و *استبصار*، دیگر نیازی به برخی کتب حدیثی احساس نمی‌شد؛ بنابراین نسخه‌های فراوانی از کتاب‌های حدیثی در اثر عدم استنساخ، از بین رفته‌اند. کتاب‌های صفّار نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست، چنانکه از اصول اربعمأء چیزی باقی نمانده است. بدیهی است نشر آثار در قرون گذشته به سختی صورت می‌گرفته و شرایط امروزه را نداشته است؛ در نتیجه اگر کتابی می‌توانست جایگزین سایر کتاب‌ها شود، تنها به نسخه برداری از آن کتاب اکتفا می‌شده است.

شیخ صدوق بسیاری از احادیث صفّار را در آثارش نقل کرده است. دقیقاً نمی‌توان میزان و تعداد احادیث صفّار را در آثار شیخ صدوق بررسی کرد؛ زیرا تمامی آثار شیخ صدوق موجود نیستند، اما در آثاری که باقی مانده‌اند و اکنون در دسترس ما هستند، بیش از ۸۲۶ حدیث را از صفّار نقل کرده است. از این تعداد ۱۴۴ حدیث در کتاب

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

ثواب الاعمال، ۱۴۴ حدیث در کتاب *علل الشرایع*، ۱۰۹ حدیث در کتاب *الخصال*، ۶۶ حدیث در کتاب معانی الاخبار، ۶۴ حدیث در کتاب الامالی، ۶۲ حدیث در کتاب *من لا یحضره الفقیه*، ۵۳ حدیث در کتاب *التوحید*، ۳۱ حدیث در کتاب *کمال الدین و تمام النعمه*، ۲۹ حدیث در کتاب عیون اخبار الرضا، ۹ حدیث در کتاب فضائل الاشهر الثلاثه، ۴ حدیث در کتاب *فضائل الشیعه* و ۴ حدیث در کتاب *صفات الشیعه* ذکر کرده است.

کتاب بصائر الدرجات

نام کامل این کتاب، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*ﷺ است. البته عنوان دیگری را امیر معزی برای آن ذکر کرده که به گفته او نسخ خطی با عنوان *بصائر الدرجات فی علوم آل محمد*ﷺ و ما خصهم الله به[1] هستند. نسخه منتشر شده که به تحقیق محسن کوچه باغی (قم ۱۴۰۴ هـق) است دارای عنوان *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*ﷺ است. از عنوان کتاب روشن می‌شود که صفّار در صدد اثبات علم خاص و توانایی‌های منحصر به فرد ائمه‌علیهم‌السلام بوده و اینکه مؤمنان مؤظفند مطیع و دوستدار ایشان باشند. این کتاب۱۰ بخش دارد، هر بخش حدوداً شامل ۲۰ باب و مجموعاً دارای ۱۸۸۱ حدیث می‌باشد[2].

یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل در مورد صفّار، کتاب بصائر الدرجات او است. انصاری در مقاله‌اش می‌نویسد که صفّار کتابی به این نام نداشته و کتابی که اکنون با عنوان بصائر الدرجات نوشتهٔ صفّار در دسترس ما قرار دارد، در حقیقت همان کتاب بصائر الدرجات سعد بن عبدالله اشعری است.

او در مقاله‌اش چنین می‌نویسد:

۱. مقاله امیر معزی ص ٤، ترجمه آن تقریباً به این صورت خواهد بود درک درجات علوم آل محمدﷺ و آنچه خداوند به ایشان اختصاص داد.

۲. برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به کتاب بصائر الدرجات و مقاله امیر معزی و کتاب دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی گفتمان حدیثی میان قم و بغداد نوشته اندرو جی نیومن، ترجمه موسسه شیعه شناسی، فصل پنجم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

«کار تدوین بصائر الدرجات کنونی در اصل متعلق به محمد بن یحیی العطار، دیگر محدث برجسته این دوران است که دقیقاً معاصر با سعد اشعری بوده است. وی متن کنونی را بر اساس متن بصائر الدرجاتِ سعد اشعری و با استفاده از شیوهٔ "استخراج" تنظیم کرد و احادیثی تازه هم بدان افزود و آن را به دلیل منبع اصلی و الهام بخش آن بصائر الدرجات خواند؛ که در حقیقت می‌توان آن را "مستخرجِ بصائر الدرجات" نامید، اما به دلیل آن که احادیث دیگری هم در متن افزوده شده بود و نیز به دلیل آن‌که اصولاً شیوهٔ "استخراج" بدون آن‌که نامی از آن در میان محدثان امامیه برده شود، شیوه‌ای معمول برای تدوین کتاب‌های حدیثی در میان امامیه بود. متن ساخته شدهٔ دوم هم چنان بصائر الدرجات خوانده شد که به دلیل متن اولیه سعد اشعری بود.»[۱]

مدعای ایشان قابل نقد است؛ اولاً این ادعا با مشهور مخالفت صریح دارد و طبق نقلی که از رجالیون آوردیم همهٔ آن‌ها صفّار را صاحب بصائر الدرجات می‌دانند. تنها اشکالی که وجود داشت، عدم نقل ابن ولید بود که به آن اشاره شد، اما تنها از عدم نقل ابن ولید نمی‌توان نتیجه گرفت که مؤلفِ بصائر الدرجات، صفّار نبوده است. بسیاری از رجالیون و محدثین، صفّار را صاحب کتاب بصایرالدرجات می‌دانند (ر.ک: *بحارالانوار*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی‌تا، ج ۱، ص ۶/ ج ۱۰۷، ص ۱۱۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۳۸۴؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص۷۹۲؛ *وسائل الشیعة (آل البیت)*، ج ۱، ص ۳۷).

علاوه بر شهرت انتساب، دلیلی دیگر وجود دارد که قابل اغماض نیست؛ استدلال ما این است که با بررسی آثار شیخ صدوق، می‌بینیم که ایشان از کتاب بصائر الدرجات صفّار، بیش از ۲۱ حدیث را نقل کرده است که سند آنها با سند بصائرالدرجات یکسان است.

---

۱ . رجوع کنید به مقاله حسن انصاری http://ansari.kateban.com/entry۱۵۲۰html.

صفّار در بصائر الدرجات نقل می‌کند:

«حدثنا أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن عامر بن معقل عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر علیه‌السلام قال: يا أبا حمزة لا تضعوا علياعلیه‌السلام دون ما وضعه الله، ولا ترفعوه فوق ما رفعه الله كفى لعلى ان يقاتل أهل الكرة وان يزوج أهل الجنة» (*بصائر الدرجات*، ص ۴۳۵).

این حدیث را صدوق در کتاب امالی‌اش آورده:

«حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد (رضي الله عنه)، قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن عامر بن معقل، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي جعفرعلیه‌السلام، قال: قال لي: يا أبا حمزة، لا تضعوا عليا دون ما وضعه الله، ولا ترفعوا عليا فوق ما رفعه الله، كفى بعلي أن يقاتل أهل الكرة، وأن يزوج أهل الجنة» (*امالی صدوق*، ص ۲۸۴).

سندی که صفّار برای حدیث فوق ذکر کرده، دقیقاً منقول شیخ صدوق نیز هست و محمد بن یحیی العطار در سند روایت حضور ندارد. باید پذیرفت حدیث مذکور را صفّار نقل کرده و شیخ صدوق به واسطه استادش جناب محمد بن حسن بن احمد بن ولید آن را از صفّار نقل کرده است؛ بنابراین راوی این حدیث صفّار بوده است.

احادیث دیگری نیز وجود دارد که برای اختصار فقط اسناد آن‌ها را می‌آوریم.

صفّار اسناد ذیل را در کتاب بصائر الدرجات آورده است؛ در ذیل هر حدیث اسناد شیخ صدوق را نیز ذکر می‌کنیم:

۱- حدثنا أحمد بن محمد عن ابن سنان عن ابن مسكان عن موسى بن بكر قال قلت لأبي عبد اللهعلیه‌السلام... (*بصائر الدرجات*، ص ۳۲۶ـ ۳۲۷).

سند شیخ صدوق:

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن سنان، عن عبد الله بن مسكان، عن موسى بن بكر قال: قلت لأبي عبد اللهعلیه‌السلام... (*الخصال*، ص۶۴۴).

۲- حدثنا يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير عن مرازم عن أبي عبد اللهعلیه‌السلام قال... (*بصائر*

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

الدرجات، ص ۳۲۲ ـ ۳۲۳).

سند شیخ صدوق:

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنه قال: حدثنا محمد ابن الحسن الصفّار، عن يعقوب بن يزيد، وإبراهيم بن هاشم، عن محمد بن أبي عمير، عن إبراهيم بن عبد الحميد، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي جعفر علیه‌السلام قال... (*الخصال*، ص۶۴۷).

۳- حدثنا يعقوب بن يزيد وإبراهيم بن هاشم عن ابن أبي عمير عن منصور بن يونس عن أبي حمزة الثمالي عن علي بن الحسين قال... (*بصائر الدرجات*، ص۳۲۹).

سند شیخ صدوق:

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنه قال: حدثنا محمد ابن الحسن الصفّار، عن يعقوب بن يزيد، وإبراهيم بن هاشم، عن محمد بن أبي عمير، عن منصور بن حازم، عن أبي حمزة الثمالي، عن علي بن الحسين علیهماالسلام قال... (*الخصال*، ص۶۵۱).

۴- حدثنا أحمد بن محمد عن البرقي عمن ذكره عن أبي عبد الله علیه‌السلام قال... (*بصائر الدرجات*، ص۲۸).

این حدیث را شیخ صدوق با سند ذیل ذکر کرده است:

حدثني محمد بن الحسن قال حدثني محمد بن الحسن الصفّار عن محمد بن أحمد عن محمد بن خالد البرقي عمن ذكره عن أبي عبد الله علیه‌السلام قال... (*ثواب الأعمال*، ص۱۳۱).

۵- حدثنا محمد بن الحسين عن موسى بن سعدان عن عبد الله بن القاسم عن سماعة بن مهران قال قال أبو عبد الله علیه‌السلام... (*بصائر الدرجات*، ص ۴۳۴ ـ ۴۳۵).

سند شیخ صدوق:

حدثنا محمد بن الحسن رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفّار قال حدثنا محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن موسى بن سعدان عن عبد الله بن القاسم الحضرمي، عن سماعة بن مهران قال: قال أبو عبد الله علیه‌السلام... (*علل الشرائع*، ج۱، ص ۱۶۴).

از اسناد فوق الذکر استفاده می‌شود که برخی از روایات بصائرالدرجات را شیخ صدوق با همان سند بصائر نقل کرده است. عدم وجود محمدبن یحیی در اسناد مذکور

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

شاهدی بر تالیف بصائر توسط صفّار محسوب می‌شود. علاوه بر اسناد مذکور موارد دیگری نیز وجود دارند که برای اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم[1]. البته برای تکمیل این موضوع لازم است تمامی اسناد بصائر الدرجات در آثار متاخر بررسی شود که نیاز به پژوهشی مجزا دارد.

نکته‌ای دیگر که از این نقل‌ها بر می‌آید، اعتماد ابن ولید به کتاب بصائر است. لذا این مطلب که بعضی از گویندگان آورده‌اند که نقل نشدن بصائر توسط ابن ولید به دلیل مضامین غلوّ آمیز بصائر بوده که ابن ولید به دلیل دقّت در نقل نپذیرفته، با دیدن این اسناد، ابطال می‌شود. اعتماد صدوق بر مضامین بصائر نیز قرینه‌ای بر مدّعای ما است که دقت در آن ضروری است

ارتباط صفّار با امام

در یگانه اثر موجود صفّار یعنی کتاب بصائرالدرجات؛ روایت مستقیم از معصوم وجود ندارد. شایان ذکر است که آثار دیگر صفّار قمی مفقود شده و به دست ما نرسیده است و احتمال این که در دیگر آثار او که مفقود شده، حدیث یا احادیثی وجود داشته که صفّار آن حدیث‌ها را مستقیماً از امام یازدهم نقل کرده باشد؛ با این حال صرف احتمال نمی‌تواند چیزی را ثابت کند و اگر بخواهیم بنابر آثار موجود سخن بگوییم، صفّار قمی نقل مستقیمی از حضرت عسکری علیه‌السلام ندارد و شاید بتوان ادعا کرد که اگر نقل مستقیمی وجود داشت در برجسته‌ترین اثر وی یعنی بصائر الدرجات ذکر می‌شد. از عدم نقل مستقیم می‌توان نتیجه گرفت که صفّار هیچ‌گاه امام را ملاقات نکرده است.

علاوه بر اینکه صفّار از امام عسکری علیه‌السلام روایتی به صورت مستقیم نقل نکرده، همچنین از امام دهم علیه‌السلام نیز روایتی نقل نکرده است، در حالی که او مدتی از امامت

۱. برای تحقیق بیشتر رجوع کنید به کتابهایی که داخل پارانتز ذکر شده و آنها را مقابله کنید (*بصائرالدرجات*، ص ۱۷۸ ـ ۱۷۹؛ *عیون اخبار الرضا* علیه‌السلام، ج ۲، ص ٤٠)؛ (*بصائر الدرجات*، ص۳۳۹ ، *عیون اخبارالرضا* علیه‌السلام، ج ۲، ص ۵۹ ـ ٦٠) و (*بصائر الدرجات*، ص ۳۳۹؛ کمال الدین وتمام النعمة، ص ۳۳۵).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

حضرت هادی (۲۲۰تا۲۵۴) را درک کرده است. عدم نقل مستقیم، شاهد خوبی است که او امام را ملاقات نکرده است.

نکتهٔ دیگری که قابل توجه و جالب به نظر می‌رسد، این است که صفّار از دو نایب نخست امام مهدی(عج)، یعنی عثمان بن سعید (نایب امام از ۲۶۰ تا حدود ۲۶۷ هـق، ۸۷۴ تا ۸۸۰ م)، و محمد بن عثمان (نایب امام از حدود ۲۶۷ تا ۳۰۵ هـق، ۸۸۰ تا ۹۱۷ م) نیز روایتی نقل نکرده است.

با این وجود، او نامه‌هایی به محضر امام یازدهم علیه‌السلام نوشته است، در گذشته نیز ذکر شد که توقیعاتی که حضرت عسکری علیه‌السلام برای جناب صفّار فرستاده است در نزد شیخ صدوق موجود بوده و ظاهراً آن‌ها در صحیفه‌ای جمع بوده‌اند[۱].

نکتهٔ این است که علاوه بر توقیعاتی که صفار از جانب امام دریافت نموده و آن توقیعات گنجینهٔ ارزشمندی از علوم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است، کتاب دیگری نیز در نزد صفّار وجود داشته است؛ کتابی به نام «*الصحیفه*» که حضرت علی علیه‌السلام آن را به غلاف شمشیرش می‌آویخته و مجموعه‌ای از احکام حلال و حرام شریعت در آن صحیفه وجود داشته است. وجود این کتاب در نزد علی علیه‌السلام را جناب بخاری در چندین جای صحیحش متذکر شده است[۲]. صفّار به نسخه‌ای از این صحیفه دسترسی داشته است (*الکلینی والکافی*، ص۲۵). و یکی از منابع او برای روایات همین نسخه بوده است.

نقش صفّار در انتقال میراث مکتوب

برای پی بردن به نقش صفّار در انتقال میراث مکتوب شیعی، دو کتاب فهرست

---

۱. برای ملاحظه این نامه ها رجوع کنید به:
الکافی،ج ۵، صص ۱۲۵ و ۱۸۱/ ج ۷ ، صص ٤٥، ٤٦، ۳۹٤ و ٤٦١؛ *من لا یحضره الفقیه*، ج ۱، ص ١٤١ / ج ۲، ص ١٥٣ / ج ۳، صص ٦٧، ٧٣، ١٧٣، ٣٧٨، ٤٩٩ و ٥٠٨ / ج ٤، صص ٢٠٣، ٢٠٩، ٢٢٦، ٢٣٧ و ٢٦٩ ؛ *تهذیب الأحکام*، ج ٦، ص ٣٦٩ / ج ۷، صص ١٣٨ و ١٥٠ / ج ۸، ص ۲۹۹ / ج ۹، صص ۱۲۹، ۲۱۵ و ۳۱۷؛ *الاستبصار*، ج ٤، ص ١٦٧؛ وسائل الشیعة (آل بیت)، ج ۲، ص ٥٣٦ و ٥٣٨ / ج ۱۷، ص ٨٦ / ج ۱۸، ص ٨٤ / ج ۱۹، ص ۳۷۵ و ۳۷۷.

۲. برای نمونه بنگرید: *صحیح البخاری*، ناشر: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ١٤٠١ قمری ـ ۱۹۸۱ میلادی. ج ۱، ص ٣٦.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
جایگاه محمد بن صفار و کتاب بصائر الدرجات در میراث حدیثی شیعه
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

نجاشی و فهرست شیخ طوسی را بررسی کردیم. صفّار در دو کتاب مذکور مجموعاً در سلسله اسناد بیش از ۱۹۵ سند قرار دارد. به عبارت دیگر در این دو کتاب، ۱۹۵ نفر از مؤلفان شیعی وجود دارد که آثار مکتوب آنان توسط صفّار نقل شده است. از مجموع ۱۹۵ سند مذکور بیش از ۱۱۷ سند وجود دارد که در آنها صفّار، واسطه میان دو قمی قرار گرفته است. به عبارت دیگر هم استادش قمی بوده و هم شاگردش و صفّار هم از اهالی قم است. بنابراین در این آثار صفّار تنها راوی است و انتقال از شهری به شهر دیگر نبوده است. از این مجموعه اسناد ۱۷ سند وجود دارد که در آنها صفّار روایت را از اساتید قمی دریافت نموده و به شاگردان کوفی منتقل کرده است. و ۱۳ سند وجود دارد که صفّار واسطه میان استاد قمی و شاگرد انباری و در ۹ سند، صفّار واسطه میان استاد قمی و شاگرد بغدادی است. در این اسناد تنها یک شاگرد نهاوندی و یک شاگرد اصفهانی و یک شاگرد رازی وجود دارد.

از موارد مذکور می‌توان نتیجه گرفت که جناب صفّار در انتقال میراث مکتوب از نسلی به نسل دیگر نقش مهمی داشته است، اما وی در انتقال میراث از شهری به شهر دیگر یا از منطقه‌ای به منطقه دیگر تأثیر چندانی نداشته و عمده فعالیت وی در این زمینه به شهر قم منحصر می‌شود.

منابع

آندرو، جی. نیومن، ***دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی گفتمان حدیثی میان قم و بغداد***، ترجمه و نقد: مؤسسه شیعه شناسی، ناشر: انتشارات شیعه شناسی، چ اول.

ابن طاووس، ***إقبال الأعمال***، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، چاپخانه: مکتب الإعلام الإسلامی، ناشر: مکتب الإعلام الإسلامی، چ اول، ۱۴۱۴ قمری.

ابن ندیم، ***فهرست***، نشر تجدد، تهران، ۱۹۷۱.

اردبیلی، محمد علی، ***جامع الرواة***، قم، ناشر: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۳قمری.

امیر معزی، محمد علی، ***فصلنامه ژورنال آسیایی (JOURNAL ASIATIQUE) صفّار قمی و کتاب بصائر***.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

ابن قولویه (جعفر بن محمد بن قولویه)، ***کامل الزیارات***، تحقیق: شیخ جواد قیومی، چاپخانه: مؤسسه نشر اسلامی، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، چ اول، ۱۴۱۷قمری.

بخاری، ***صحیح البخاری*** ناشر: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۱ قمری ـ ۱۹۸۱ میلادی.

برقی، احمدبن محمدبن خالد، ***رجال البرقی***، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ قمری.

بروجردی، سید علی، ***طرائف المقال***، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم، چاپخانه: بهمن ناشر: مکتبة آیة الله العظمی مرعشی نجفی، چ اول، ۱۴۱۰قمری.

بغدادی، اسماعیل باشا، ***هدیة العارفین***، لبنان، بیروت، ناشر: دار إحیاء التراث العربی.

بحر العلوم، **الفوائد الرجالیة**، تحقیق وتعلیق: سید محمدصادق بحر العلوم، حسین بحر العلوم، تهران، چاپخانه: آفتاب، ناشر: مکتبة الصادق، چ اول، ۱۳۶۳ شمسی.

تفرشی، ***نقد الرجال***، تحقیق: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، قم، چاپخانه: ستاره، ناشر: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، چ اول، ۱۴۱۸ قمری.

تهرانی، آقا بزرگ، ***الذریعة***، لبنان، بیروت، ناشر: دار الأضواء، ۱۴۰۳ قمری ـ ۱۹۸۳ میلادی.

تستری، شیخ محمد تقی، ***قاموس الرجال***، قم، ناشر: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ اول، ۱۴۱۹ قمری.

جواهری، محمد، ***المفید من معجم رجال الحدیث***، قم، چاپخانه: العلمیة، ناشر: مکتبة المحلاتي، چ دوم، ۱۴۲۴ قمری.

حر عاملی، ***وسائل الشیعة (آل البیت)***، تحقیق: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، قم، چاپخانه: مهر، ناشر: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴قمری.

حر عاملی، ***وسائل الشیعة (الإسلامیة)***، تحقیق وتصحیح وتذییل: شیخ عبد الرحیم ربانی شیرازی، لبنان، بیروت، ناشر: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ قمری ـ ۱۹۸۳ میلادی.

حسینی عاملی، سید بدرالدین بن احمد، ***الحاشیة علی أصول الکافی***، تحقیق: علی فاضلی، چ اول، چاپخانه: دار الحدیث، ناشر: دار الحدیث، ۱۴۲۵ قمری ـ ۱۳۸۳شمسی.

حلی، ابن داود ، ***رجال ابن داود***، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ قمری.

حلی، ***الخلاصة للحلی (رجال العلامة الحلی)***، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ قمری.

خویی، سید ابوالقاسم ***معجم رجال الحدیث***، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ قمری (۱۳۶۹ شمسی).

راوندی، قطب الدین، ***الخرائج و الجرائح***، قم،مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ قمری.

ریشهری، محمد، ***أهل البیت فی الکتاب والسنة***، تحقیق: دار الحدیث، چاپخانه: دار الحدیث، ناشر: دار الحدیث، چ دوم،۱۳۷۵ شمسی.

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، ***الخصال***، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۳ قمری.

_____، ***امالی***، کتاب فروشی اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ قمری.

_____، **ثواب الأعمال**، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴ شمسی.

_____، ***علل الشرائع***، قم، انتشارات مکتبة الداوری.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]

_____، ***عیون اخبار رضا***، تحقیق: شیخ حسین اعلمی، ۱۴۰۴قمری.
_____، ***کمال الدین و تمام النعمة***، به کوشش علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۹ قمری.
صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، ***من لا یحضره الفقیه***، تحقیق، تصحیح وتعلیق: علی اکبر غفاری، ناشر: مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ دوم.
صفّار، محمد بن الحسن، ***بصائر الدرجات***، تصحیح وتعلیق وتقدیم: حاج میرزا حسن کوچه باغی، تهران، چاپخانه: مطبعة الأحمدی، ناشر: منشورات الأعلمی، ۱۴۰۴ قمری ـ ۱۳۶۲ شمسی.
طوسی، ***اختیار معرفة الرجال***، تحقیق: تصحیح وتعلیق: میر داماد استرآبادی/ تحقیق: سید مهدی رجائی، قم، چاپخانه: بعثت، ناشر: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، ۱۴۰۴قمری.
____، ***الاستبصار***، تحقیق وتعلیق: سید حسن موسوی خرسان، تهران، دار الکتب الإسلامیة ۱۳۶۴ شمسی.
____، ***تهذیب الأحکام***، تحقیق و تعلیق: سید حسن موسوی خرسان، تهران، دار الکتب الإسلامیة ۱۳۶۴ شمسی.
_____، ***الفهرست***، نجف، المکتبة المرتضویة.
_____، ***رجال الشیخ الطوسی***، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ قمری.
علی بن طاوس حسینی حلی، انتشارات مرتضوی، محاسبه النفس.
غضائری، احمد بن حسین بن ***رجال ابن الغضائری***، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ قمری.
غفار، عبد الرسول، ***الکلینی والکافی***، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ اول، ۱۴۱۶ قمری.
مفید، ***الأمالی***، تحقیق: حسین استاد ولی، علی اکبر غفاری، لبنان، بیروت، ناشر: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع، چ دوم،۱۴۱۴ قمری ـ ۱۹۹۳ میلادی.
مجلسی، محمدباقر، ***بحارالانوار***، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
قمی، حسن‌بن محمدبن حسن، ***تاریخ قم***، (نوشته در ۳۷۸)، ترجمه: حسن بن علی بن حسن عبد الملک قمی (در ۸۰۵)، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱شمسی.
کشی، محمد بن عمر، ***رجال الکشی***، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ شمسی.
کلباسی، ابی المعالی محمدبن محمد ابراهیم، ***الرسائل الرجالیة***، تحقیق: محمدحسین درایتی، چاپخانه: سرور، ناشر: دار الحدیث، چ اول، ۱۴۲۲ قمری ـ ۱۳۸۰شمسی.
کلینی، ***الکافی***، تهران، چاپ: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ قمری.
کنی، علی، ***توضیح المقال فی علم الرجال***، تحقیق: محمد حسین مولوی، چاپخانه: سرور، ناشر: دار الحدیث، چ اول، ۱۴۲۱ قمری ـ ۱۳۷۹ شمسی.
مامقانی، عبدالله، ***تنقیح المقال فی علم الرجال***، مطبعة المرتضویه، نجف، ۱۳۵۲.
نوری، ***مستدرک الوسائل***، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام قم، ۱۴۰۸ قمری.
نجاشی، احمد بن علی، ***رجال النجاشی***، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ قمری.
نمازی شاهرودی، شیخ علی، ***مستدرکات علم رجال الحدیث***، تهران، چاپخانه: شفق، ناشر: ابن المؤلف، چ اول، ۱۴۱۲ قمری.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-09-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.8.4]